گفت‌وگو با امین تارخ بازیگر سریال «جراحت»

من آدم کودک‌صفتی هستم

مهدی نیاکی

«جراحت» تراژدی خانواده‌ای به هم پیوسته است که در اثر حادثه‌هایی غیرقابل اجتناب دچار گسست می‌شوند. مادر و بزرگ‌تری که مدام می‌کوشد اختلافات را از میان بردارد و برعکس به طور تصاعدی شاهد شکاف‌های افزون‌تر است و خانواده‌ای که به چند قطب متضاد تقسیم شده، به گونه‌ای که هیچ کس نمی‌تواند همزمان در دو جبهه حضور داشته باشد. امین تارخ در این سریال نقش «بزرگ» را ایفا می‌کند؛ برادر بزرگ‌تری با خلق و خویی برآمده از ایام گذشته. بزرگی که از بزرگ‌تری و اقتدارش چیز چندان زیادی باقی نمانده است. آیا این «تراژدی بزرگ» روزگار ماست یا تراژدی «بزرگ»های روزگار ما؟
با تارخ درباره «جراحت» به گفت‌وگو نشسته‌ایم.

-نقش «بزرگ» در سریال «جراحت» چه مشخصه‌هایی داشت که شما را برای پذیرش آن مجاب کرد؟

فیلمنامه خوبی داشت. کارگردان سریال کارگردان خوب، شناخته‌شده و معتبری است. متن هم بسیار خوب بود. مهم‌تر از هرچیز، دیالوگ‌پردازی بسیار زیبایی دارد که حین حفظ ویژگی‌های روزمره دیالوگ، وزن و آهنگ جذابی در آن هست. گمان می‌کنم همین‌ها برای انتخاب و ترغیب به سوی یک نقش کافی است.

-در اولین قسمت‌های «جراحت» بسیاری گمان کردند «بزرگ» به شدت شبیه «دکتر پژوهان» است؛ نقشی که شما در سریال اغما ایفا کردید. خودتان درباره تفاوت‌ها و شباهت‌های این دو نقش چه نظری دارید؟

هیچ تشابهی میان «بزرگ» و «دکتر پژوهان» وجود ندارد. ممکن است در ظاهر، تشابهاتی وجود داشته باشد که تلاش شد آن هم نباشد. اما لحن «بزرگ» را با لحن «دکتر پژوهان» مقایسه کنید. کشمکش‌های آنها را با هم مقایسه کنید. «بزرگ» آدم بی‌سوادی است که شکوه و وقاری در شخصیت او هست. به «بولدوزر» می‌گوید «بوردوزر!» یا به «دستگاه فتوکپی» می‌گوید «دستگاه عکس‌برگردان». اما آدم بی‌شعوری نیست. با آن تسبیح و کت و شلوار و قوزی که دارد و راه رفتنی که گاهی به راه رفتن لات‌منشانه شبیه می‌شود با دیگر نقش‌ها متفاوت است.

-این لحن و این نوع ادای کلمات و اکت‌هایی از این دست را برای نقش «بزرگ» از کجا آورده‌اید؟ به نظرم در ساخت آن، ویژگی‌های واقعی و ظریفی وجود دارد.

من با فردی به طور اتفاقی آشنا شدم. سه روز از عقد قرارداد «جراحت» گذشته بود که با او در «میدان شهدا» آشنا شدم. من دیدم که اصلاً دایره لغات او دایره لغات «بزرگ» است. رفتم و با او کمی حرف زدم. روزی از او دعوت کردم و به دفتر ما آمد و من مساله را با او در میان گذاشتم که می‌خواهم چنین نقشی را بازی کنم. شروع کرد به صحبت کردن. من او را به حرف زدن و مرور خاطرات ترغیب کردم. نکاتی را هم یادداشت کردم. شما اگر در چند قسمت گذشته دقت کرده باشید «بزرگ» در سکانسی به «هوشی» می‌گوید: اگه می‌بینی بین من و پدرت «بکش‌دکشی» هست... این عبارت در سناریو به صورت «بکش‌بکش» نوشته شده بود. من آن را تبدیل به «بکش دکش» کردم. این لغتی است که از آن شخصیت گرفته بودم. حضور آن آدم به شکل‌گیری لحن «بزرگ» کمک کرد. من یکسری تکیه‌کلام‌ها را از او یاد گرفتم؛ عباراتی که لات‌های تهرانی استفاده می‌کردند.

-در لحن بزرگ نوعی تفاوت میان لحظاتی که آرام است و لحظاتی که خشمگین می‌شود، می‌بینیم. نوعی عدم یکدستی. آیا در تفاوت لحن در این دو حالت، عمدی داشتید.

درست است. «بزرگ» یک آدم لات لمپن جلمبر نیست. آدمی است که به محض عصبانی شدن مشتی‌گری و لاتی او گل می‌کند. آن آدمی که من دیدم، همین طور بود. وقتی عصبانی می‌شد و راجع به خاطراتش صحبت می‌کرد ناگهان می‌دیدم که یک لات به تمام معنا روبه‌رویم نشسته است. اما به محض اینکه آرام و عادی می‌شد، خیلی معقول و متین و شیک حرف می‌زد. «بزرگ» به هر حال تاندانس‌های مذهبی دارد. نماز می‌خواند، تسبیح به دست دارد و... اما من سعی کرده‌ام در هیچ کدام از این ویژگی‌ها افراط نشود. «بزرگ» همیشه لاتی حرف نمی‌زند. حرف‌های شعاری به زبان نمی‌آورد. همیشه هم شیک حرف نمی‌زند. ملغمه‌ای است از همه اینها.

-چقدر برای رسیدن به نقش «بزرگ» وقت گذاشتید؟

غیر از زمانی که برای صحبت با آن فرد گذاشتم، هیچ زمان دیگری صرف نشد. اگر بگویم که غیر از این بوده به طور قطع دروغ گفته‌ام. البته خود فیلمنامه بهترین متریال و ماده اولیه است.

- اما از حافظه عاطفی‌تان در این باره کمک گرفتید.

طبیعی است که باید از حافظه عاطفی کمک می‌گرفتم.

-تا چه حد در تغییر دیالوگ‌ها دخالت داشتید؟

برخی مواقع اتفاق می‌افتاد. خوشبختانه آقای «سعید نعمت‌الله» سر صحنه‌ها حضور داشت. گاهی به عنوان بازیگر با او صحبت می‌کردم و نظرم را راجع به دیالوگی که به راحتی در دهان نمی‌چرخد یا فحوایی که مد نظر است به درستی منتقل نمی‌کند، ابراز می‌کردم. در نهایت آن دیالوگ را طوری تغییر می‌دادند که به گویش انتخابی «سعید نعمت‌الله» بخورد و در دهان من هم به راحتی بچرخد. همکاری آقای «عسگرپور» و آقای «نعمت‌الله» این هماهنگی را فراتر از پیشنهاد تغییر دیالوگ به دلیل نچرخیدن در دهان بازیگر برد. گاهی اوقات من صمیمانه پیشنهاداتی را که به نظرم می‌رسید، به هر دو عزیز می‌گفتم و آنقدر صادقانه و صمیمانه مورد استقبال هر دو قرار می‌گرفت که من شرمنده می‌شدم. واقعاً و بدون تعارف باید بگویم به قدری پیشنهادات را به درستی گوش می‌کردند و برخی را می‌پذیرفتند که من مجاب می‌شدم حتماً آن پیشنهادی را که نمی‌پذیرند، خوب و کارآمد نیست چرا که دیگر پیشنهادات من با دقت و صداقت مورد توجه قرار گرفته بود. دامنه پیشنهاد دادن و پیشنهاد گرفتن وسیع‌تر از دیگر کارها در این سطح بود.

-اگرچه لازم نیست دیالوگ‌ها مطابق محاوره روزمره باشد اما دیالوگ‌های «جراحت» گویی از دو جنبه تا حدودی غریب می‌نماید؛ از یک طرف همان طور که شما گفتید برخی دیالوگ‌ها در دهان برخی از بازیگران نمی‌چرخد و دیگر اینکه گویی در برخی مواقع بیش از اندازه نمادین به نظر می‌آید. برای این بخش در کار تلاشی در جهت روان‌تر کردن دیالوگ‌ها یا تطبیق آن با لحن بازیگران انجام نمی‌شد؟

البته سوءتفاهم پیش نیاید. من به کلی پیشنهادهای من بیشتر در دایره موقعیت «بزرگ» بود نه کل فیلمنامه که برخی پذیرفته می‌شد و برخی پذیرفته نمی‌شد. من راجع به خودم می‌توانم بگویم که همه تلاشم متوجه این امر بود که اگر لحن وزین و آهنگینی برای تمثیلات و نمادهای گویش به کار می‌رود، به گونه‌ای ادا نشود که گویی در حال خواندن شعر هستیم. تماشاگر باید احساس کند من با این لحن دارم زندگی می‌کنم و بزرگ اصلاً به این صورت حرف می‌زند. همین جاست که بازیگری کمی سخت می‌شود. وقتی «هملت» را بازی می‌کنی، باید تماشاگر احساس کند مفاهیمی به زبان خودش دارد بیان می‌شود. حالا اگر لحن تاریخی است به تماشاگر مربوط نیست. بازیگر نباید لحن را به رخ بکشد. باید مفاهیم را منتقل کرد. لحن، وسیله است. لحن کلاسیک، لاتی، عرفانی و فلسفی و... اینها نباید تماشاگر را به این احساس دچار کند که بازیگر در حال فریب اوست. بازیگر باید این لحن را چنان از آن خود کرده باشد که بیننده گمان کند در حال سخن گفتن عادی با اوست.

-به یاد دارم در «سربداران»، «ابن‌سینا» و... دوبله نقش را خودتان بر عهده می‌گرفتید. به رغم اینکه دیالوگ‌های «کیهان رهگذار» بسیار خوب بود اما در لحن «شیخ حسن جوری» یا «ابن‌سینا» نمی‌بینیم که بازیگر، در حال خواندن شعر یا یک متن ادبی است. این تکنیکی دارد که درباره برخی از بازیگران مثل شما اتفاق می‌افتد و درباره برخی دیگر از بازیگران اتفاق نمی‌افتد؟

این واقعاً یک امر شخصی است. چه بسا نتوان فرمولی ارائه داد و فنون آن را لیست کرد. اینها تکنیک‌های شخصی است که به شعور خود بازیگر بازمی‌گردد که چگونه دیالوگ کلاسیک یا شعرگونه را از آن خود می‌کند. حتی می‌تواند دیالوگ‌های یک نمایشنامه شعر محض باشد. اما بازیگر آن را چنان اجرا می‌کند که تماشاگر احساس کند دارند با او حرف می‌زنند.

-نسبت به استانداردهای بازیگری با کدام یک از بازیگران راحت‌تر بودید؟

من با «علی عمرانی» و «آتنه فقیه‌نصیری» راحت بودم. البته با همه به راحتی کار می‌کردیم ولی با این دو بده بستان بیشتری داشتم. اما تجربه‌ها متفاوت بود. مثلاً «یاسر جعفری» از بر و بچه‌های کارگاه بازیگری خودم بود و گاهی از من می‌خواست اگر پیشنهادی دارم ارائه کنم و گاهی خود آقای «عسگرپور» نیز از من می‌خواست با بازیگران جوان‌تر کارهایی برای تمرین انجام دهم. اما این تعاملاتی است که فقط در یک محیط حرفه‌ای اتفاق می‌افتد. این فضا در کل سریال «جراحت» وجود داشت و پنج ماه بسیار شیرین را پشت سر گذاشتیم.

-معمولاً چقدر از نقش به داشته‌ها و تجربه‌های خودتان برمی‌گردد؟

به نظر من بازیگر خواه ناخواه آن «اگر طلایی» (اگر من جای او بودم؟) را اعمال می‌کند. ممکن است در فیلمنامه ننوشته باشند که در اینجا «بزرگ» گریه می‌کند و دیالوگ‌ها را با گریه می‌گوید اما من احساس می‌کنم این دیالوگ را با گریه باید گفت. چه بخواهم چه نخواهم به این سمت می‌روم که شخصیت را به خودم شبیه کنم. من کاراکتر را از فیلترهای شخصیتی خودم عبور می‌دهم. بارها خواسته‌ام واکنشی را که نوشته شده و متناسب نبوده در بازی اعمال کنم و جا نیفتاده است و همان جا پیشنهاد کرده‌ام که اینجا باید واکنشی دیگر نشان داده شود و مورد قبول هم واقع شده است. به همین دلیل صادقانه و باورپذیرتر می‌شود.

-«بزرگ» چقدر به شخصیت خود شما نزدیک است. به لحاظ درگیری‌های درونی.

نکته

ممکن است در فیلمنامه ننوشته باشند که در اینجا «بزرگ» گریه می‌کند و دیالوگ‌ها را با گریه می‌گوید اما من احساس می‌کنم این دیالوگ را با گریه باید گفت. چه بخواهم چه نخواهم به این سمت می‌روم که شخصیت را به خودم شبیه کنم. من کاراکتر را از فیلترهای شخصیتی خودم عبور می‌دهم. بارها خواسته‌ام واکنشی را که نوشته شده و متناسب نبوده در بازی اعمال کنم و جا نیفتاده است و همان جا پیشنهاد کرده‌ام که اینجا باید واکنشی دیگر نشان داده شود و مورد قبول هم واقع شده است. به همین دلیل صادقانه و باورپذیرتر می‌شود.

همه کاراکترهایی که یک بازیگر بازی می‌کند از «هملت» گرفته تا یک کارگر، دارای ویژگی‌های مشترکی با خود او هستند. ما جاه‌طلبی و عاشق‌پیشگی و حس تنفر و... را داریم. این ویژگی همه آدم‌هاست. اما در یک نقش، دایره مشخصی از صفات درون یک بازیگر متبلور می‌شود که موجب ساختن شخصیت است. مثلاً تردید «هملت» در من متبلورتر می‌شود، چون در حال ایفای نقش انسانی مردد هستم.

-نوع بازی شما به من می‌گوید در درون «بزرگ» یک کودکی وجود دارد. من اشتباه می‌کنم؟

بسیار درست است. در همه نقش‌هایی که من بازی کرده‌ام از سریال گرفته تا فیلم یا تئاتر یک جور کودک‌صفتی به صورت زیر متن در آنها وجود داشته است. این کودک‌صفتی خاص من است. من تا آنجا که خودم را شناخته‌ام و تا آنجا که از دید دیگران عنوان شده، آدم کودک‌صفتی هستم. گاهی در حد یک بچه هشت، ۹ساله رنجیده‌خاطر می‌شوم. گاهی به اندازه یک جوان ۱۶ساله تحت تاثیر قرار می‌گیرم. به سرعت گریه‌ام می‌گیرد. بسیار زودباورم. به سرعت دستم را برای همه رو می‌کنم. پنهانکاری را بلد نیستم. اگر این کار را بکنم به سرعت افشا می‌شود. نمی‌توانم با کسی که خوشم نمی‌آید به گونه‌ای رفتار کنم که او نفهمد. نمی‌توانم به کسی که از او خوشم آمده این مساله را نگویم. همه اینها خصوصیات آدم کودک‌صفت است. در زندگی خصوصی من شاید صدمین بار است که این مساله به من گفته می‌شود اما این اولین باری است که در یک مصاحبه مطرح می‌شود. بابت این کودک‌صفتی هم ناراحت نیستم. خیلی هم خوشحالم چراکه گمان می‌کنم اگر در حوزه بازیگری حرفه‌ای یا در عرصه آموزش بازیگری، توفیقی یافته‌ام سرمایه اصلی‌ام همین کودک‌صفتی است.

-«بزرگ»، این کودک‌صفتی را چگونه با آن اقتدار و شکوه ترکیب می‌کند؟

اینها با هم ترکیب می‌شوند. اگر حمل بر خودستایی نباشد برخی از دوستانم می‌گویند «وقتی شروع می‌کنی به عصبانی شدن آدم آنقدر به خودش می‌لرزد که دیگر قدرت دفاع ندارد». این خصوصیتی است که من دارم. در همین جاست که من می‌گویم بازیگر به ناچار شخصیت‌ها را از فیلتر شخصیتی خود عبور می‌دهد. ممکن است در یک دیالوگ، گریه باشد اما من آن را عصبی می‌گویم و درست درمی‌آید. در اینجاست که تفاوت بازی صادقانه و غیرصادقانه آشکار می‌شود.

-این تناقض نیست؟

نه، ما مجموعه‌ای از تناقض‌ها و تضادها هستیم.

-اگر بخواهید بگویید «بزرگ» تا چه اندازه در کشور و جامعه ما شایع است و توصیفی از شخصیت او داشته باشید چه می‌گویید؟

«بزرگ» از آن دسته آدم‌هایی است که می‌کوشند مسوولیت همه را بر عهده داشته باشند و درباره همه تصمیم بگیرند. خودشان هم در مدیریت آنچنان که باید و شاید لایق نیستند. این شخصیت‌ها در جامعه ما فراوانند. اما اینها در جایی یک «گاف بزرگ» می‌دهند که خود و اطرافیان‌شان به ورطه نیستی می‌روند. اساساً اینکه اتاق فکر خانواده متشکل از یک نفر باشد غلط است. اینکه مسوولیت خانواده را چه به لحاظ اقتصادی و دیگر زمینه‌ها تنها یک نفر برعهده بگیرد غلط است.

-در «بزرگ»، کمی مایه‌های استبدادی نیست؟

چرا هست. برای اینکه او به تدریج تبدیل به انسانی مستبد می‌شود. وقتی همه چشم‌شان به یک نفر باشد او این خصوصیت را می‌یابد. او قهرمان تراژدی است. قهرمان همه تراژدی‌ها مستبد است. مگر «اتللو» نیست؟ مگر «هملت» نیست؟ یا «آنتیگون» یا «ادیپ شهریار»؟ نقطه ضعف کوچکی در این آدم‌های مستبد و مقتدر باعث نابودی خودشان و اطرافیان‌شان می‌شود. این، قانون تراژدی است و به نظر من «جراحت»، تراژدی بزرگ امروزی است.

خبر

«جراحت» پربیننده‌ترین مجموعه ماه رمضان شد

مهر: مجموعه تلویزیونی «جراحت» به کارگردانی محمدمهدی عسگرپور رتبه اول را در میان سریال‌های ماه رمضان کسب کرده است. نظرسنجی مرکز تحقیقات سازمان صدا و سیما نشان می‌دهد سریال «جراحت» به کارگردانی محمدمهدی عسگرپور در میان مجموعه‌های ماه رمضان امسال، رتبه اول را از آن خود کرده است. مجموعه «جراحت» با ۷۴ درصد بیننده در رتبه اول قرار گرفت. سریال‌های «ملکوت» ساخته محمدرضا آهنج با ۶۵ درصد، «در مسیر زاینده‌رود» به کارگردانی حسن فتحی با ۵۸ درصد و مجموعه «نون و ریحون» ساخته فرزاد موتمن با ۴۲ درصد بیننده به ترتیب در رتبه‌های دوم تا چهارم قرار دارند. تکرار «خانه به دوش» به کارگردانی رضا عطاران هم رتبه پنجم را از آن خود کرد.

جوان سریال نوروزی شبکه یک را می‌سازد

مهر: رامبد جوان مجموعه نوروزی شبکه یک را با نام موقت «عملیات ۱۳۵» به تهیه‌کنندگی مجید اوجی کارگردانی می‌کند. مجید اوجی تهیه‌کننده مجموعه نوروزی شبکه یک در این باره گفت: نام این مجموعه موقت است و به احتمال زیاد تغییر می‌کند. سریال «عملیات ۱۳۵» در ۱۵ قسمت ۴۵دقیقه‌ای بر مبنای فیلمنامه‌ای از فلورا سام و کارگردانی رامبد جوان برای نوروز شبکه یک تهیه می‌شود. وی افزود: به زودی بازنویسی این سریال بر اساس نظرات دوستان معاونت سیما، شورای طرح و برنامه و کارگردان شروع می‌شود. همزمان با بازنویسی هم پیش‌تولید را شروع می‌کنیم. سعی می‌کنیم اوایل مهرماه مجموعه «عملیات ۱۳۵» را کلید بزنیم. رامبد جوان با کارگردانی مجموعه نوروزی «عملیات ۱۳۵» بعد از سریال «نشانی» که برای نوروز سال ۸۷ ساخته بود دومین تجربه همکاری خودش را با اوجی تجربه می‌کند. برای اولین بار است که شبکه‌ای برای ایام نوروز شش ماه قبل تدارک ساخت مجموعه مناسبتی را فراهم می‌کند. مجموعه «نشانی» که نوروز ۸۷ از تلویزیون پخش شد با استقبال مخاطبان روبه‌رو شده بود. مجید اوجی تاکنون مجموعه‌های تلویزیونی «روزهای زندگی»، «همسایه‌ها»، «ماه عسل»، «نشانی»، «شبی از شب‌ها»، «مشق عشق»، «تا رهایی» و... را تهیه کرده است.

مدیر گروه فیلم و سریال شبکه سحر:
تلویزیون نتوانست با سریال‌های ماه رمضان انتظارها را برآورده کند

ایسنا: مدیر گروه فیلم و سریال شبکه سحر معتقد است: تلفیق مسائل مذهبی و طنز کار ساده‌ای نیست، اما پسندیده است. ابراهیم علی‌برزی با بیان مطلب بالا افزود: این کار قطعاً امکان‌پذیر است که مضامین مذهبی در قالب طنز و مفرح به مخاطب ارائه شود. وی ادامه داد: ممکن است برخی در مقابل این امر جبهه بگیرند و فکر کنند که خط قرمزهایی وجود دارد، اما این‌گونه نیست. خیلی از داستان‌های مذهبی و دینی با داستان‌های طنز و حتی کمدی قابل جمع است و می‌توان به آنها پرداخت که متاسفانه تا به حال به این قالب‌ها پرداخته نشده است. این کارشناس مذهبی فیلم و سریال درباره پخش سریال‌هایی با مضامین ماورایی گفت: تلویزیون مخاطبان متنوعی دارد که بسیاری از این مخاطبان با توجه به فرارسیدن ماه رمضان علاقه‌مند هستند، مضامین مذهبی را در فیلم‌ها و سریال‌ها ببینند تا به نوعی ارتباط بیشتری با این ماه برقرار کنند. وی ادامه داد: اینکه تلویزیون به مضامین ماورایی بپردازد، موضوع پسندیده‌ای است. در عین حال پرداختن به این موضوعات مختص تلویزیون ما نیست. در همه دنیا فیلم و سریال‌های ماورایی متفاوتی تولید می‌شود که با توجه به اعتقادات فیلمساز و جامعه‌ای که فیلم در آن ساخته می‌شود، شکل متفاوتی به خود می‌گیرد.

ابراهیم علی‌برزی به سریال «ملکوت» که این روزها از شبکه دو در حال پخش است، اشاره و تاکید کرد: این سریال به اعتقاد من انطباق زیادی با باورها و اعتقادات مردم ما ندارد، اما باید توجه کرد هر کس با توجه به سطح مطالعه و اطلاعاتش از معارف دینی، یک تصویر خاص از این مسائل مدنظر دارد. وقتی مسائلی مثل فرشته، عالم پس از مرگ و در کل آنچه مربوط به پشت پرده این دنیاست به تصویر کشیده می‌شود، این امر ممکن است برای بسیاری از افراد با توجه به تصاویر ذهنی ازپیش‌ساخته‌ای که در ذهن دارند، خوشایند یا ناخوشایند باشد. مدیر گروه فیلم و سریال شبکه سحر خاطرنشان کرد: مخاطبان مختلف، تصاویر متفاوتی از آنچه ندیده‌اند در ذهن دارند، به همین دلیل به تصویرکشیدن موضوعات ماورایی کار سختی است و به راحتی امکان‌پذیر نیست اما به اعتقاد من سریال «ملکوت» می‌توانست به صورت جدی‌تری به مسائل ماورایی بپردازد. این کارشناس مذهبی با بیان اینکه مهم‌ترین وجه یک سریال، سرگرم‌کنندگی آن است، گفت: یک سریال در درجه اول باید سرگرم‌کننده باشد و سپس باید به این مساله پرداخت که آیا این سریال می‌تواند به تقویت باورها و اعتقادات مذهبی افراد کمک کند یا خیر. من فکر می‌کنم سریال‌هایی که پیش از این در تلویزیون تولید و پخش شده‌اند، نسبت به سریال «ملکوت» تاثیر بیشتری در باورها و اعتقادات مردم داشته‌اند، گرچه نباید از نظر دور داشت که «ملکوت» در جذب مخاطب و مساله سرگرمی تا حدود زیادی موفق عمل کرده است. علی‌برزی خاطرنشان کرد: البته تاثیرگذاری یک سریال در مخاطبان مختلف، متفاوت است و ممکن است بعضی مخاطبان از این سریال هم تاثیر پذیرفته باشند، اما وقتی ما اسم یک سریال را «ملکوت» می‌گذاریم و فرشته و سایر مسائل ماورایی را به تصویر می‌کشیم، انتظارمان این است که این سریال تاثیرگذاری بیشتری داشته باشد. وی در مورد کیفیت سریال‌های پخش‌شده در ماه رمضان امسال گفت: تلویزیون در چند ماه اخیر با پخش دو سریال بسیار خوب «فاصله‌ها» و «زیر هشت» انتظارات را از خود بالا برد. وقتی این دو سریال، به طور همزمان و پیش از ماه رمضان پخش شد، مخاطب انتظار داشت این سیر صعودی و شیب رو به بالای سریال‌های تلویزیون همچنان ادامه داشته باشد، اما تلویزیون نتوانست با سریال‌های ماه رمضان این انتظار را برآورده کند. این مدیر تلویزیون تاکید کرد: تلویزیون باید سریال‌های بهتری نسبت به «فاصله‌ها» و «زیر هشت» در ماه رمضان که یکی از پرمخاطب‌ترین زمان‌های سال برای تلویزیون است، پخش می‌کرد، با این حال باید گفت تلویزیون نسبت به ماه رمضان سال‌های قبل وظیفه خود را انجام داده است.

وی ادامه داد: ماه رمضان اصولاً در همه کشورهای اسلامی یک ماه شاد است. بنابراین همه کشورهای اسلامی سعی می‌کنند بهترین سریال‌های خود را برای ماه رمضان پخش کنند. در کشور ما هم مخاطب انتظار دارد سریال‌های شادتر و خوشایندتری به لحاظ قصه پخش شود.

سریال ۱۰ ساله «مختارنامه» دهه اول مهرماه پخش می‌شود

ایسنا: مدیر روابط عمومی سریال «مختارنامه» از شروع پخش این سریال از دهه اول مهرماه خبر داد. رضا استادی خاطرنشان کرد: «مختارنامه» با شش سال فیلمبرداری، دو سال پس‌تولید و چند سال پیش‌تولید، بزرگ‌ترین پروژه تلویزیونی ایران محسوب می‌شود. وی ادامه داد: «مختارنامه» ۴۲ تا ۴۴ قسمت ۵۰ تا ۶۰ دقیقه‌ای است که قرار است جمعه‌ها روی آنتن برود. ۱۸، ۱۹ قسمت ابتدایی سریال در مورد بررسی زندگی مختار و قیام مختار است و ادامه سریال به تحلیل و بررسی آثار این قیام می‌پردازد. استادی که با مجله فرهنگی هنری «صبح بخیر ایران» گفت‌وگو می‌کرد، افزود: «مختارنامه» یک مقطع ۱۰ساله را به خود اختصاص داده است. ۱۰ سال زمان حساسی است و ممکن است هر اتفاقی طی آن رخ دهد. حتی امکان فوت بازیگران هم وجود دارد. این اتفاق در دنیا هم نادر است که یک سریال تلویزیونی در طول ۱۰ سال به تولید و پخش برسد. مدیر روابط عمومی سریال «مختارنامه» تصریح کرد: ۸۰ تا ۹۰ درصد تولید سریال همراه با مراحل فیلمبرداری اتفاق افتاد. اگر تمام مراحل پیش‌تولید از قبیل انتخاب بازیگر، طراحی دکورها و صحنه و طراحی لباس قبل از شروع فیلمبرداری به پایان می‌رسید و از قبل آماده بود، یک سال یا یک سال و نیم طول می‌کشید تا فیلمبرداری انجام شود و با احتساب مراحل پیش‌تولید، «مختارنامه» در سه سال آماده پخش می‌شد. وی با اشاره به تعداد بازیگران و عوامل تولید «مختارنامه» گفت: این سریال ۶۰ بازیگر اصلی و ۱۴۰ بازیگر فرعی دارد و هزار و ۵۰۰ نفر نیروی انسانی در تولید آن همکاری داشته‌اند. «مختارنامه» در ۱۹۲ لوکیشن فیلمبرداری شده و ۲۴ هکتار زمین در شاهرود و ورامین صرف ساخت لوکیشن‌ها شده است. استادی درباره زبان به کار برده‌شده در «مختارنامه» اذعان کرد: ادبیات به کار برده‌شده در «مختارنامه»، ترکیبی از گفت‌وگوی محاوره‌ای همان مقطع و ضرب‌المثل‌های رایج است. دیالوگ‌های ثقیل و دشوار را در «مختارنامه» نمی‌بینیم. دیالوگ‌نویسی در این سریال ادامه آنچه در «معصومیت از دست‌رفته» دیدیم، خواهد بود.